



31 جنوری 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش نهم)

نکاتی چند درباره متارکه و آغاز مذاکرات صلح:

این نظر که گویا در جنگ سوم افغان-انگلیس شاه امان الله زیر فشار بمباردمان طیاره های برتانوی مجبور به درخواست آتش بس و متارکه در جنگ شد، بیشتر از طرف نویسندگان انگلیسی از جمله "سر پیرسی سایکس" مطرح شده است. در این ادعا فقط یک کلمه میتواند واقعیت موضوع را به نفع انگلیسها تغییر دهد، آنهم اینکه درخواست آتش بس نخست از جانب شاه امان الله ارائه شد، در حالیکه اسناد تاریخی نشان میدهد که پیشنهاد متارکه بار اول از طرف مقامات انگلیسی هند برتانوی صورت گرفت و شاه امان الله بنا بر دلایلی آن پیشنهاد را به شرط "تصدیق استقلال افغانستان" توسط انگلیسها پذیرفت و سپس هر دو طرف با توقف جنگ در هر سه محاذ، راه حل سیاسی را از طریق مذاکره و مفاهمه در پیش گرفتند که پس از سه دوره مذاکرات پر جنجال منتج به شناسائی رسمی استقلال افغانستان توسط انگلیسها گردید.

متأسفانه بعضی محققان افغان نیز به تأیید نظر "سایکس" پرداخته و معتقد اند که پیشنهاد متارکه در جنگ نخست از طرف شاه امان الله صورت گرفته است، از جمله یکی هم محترم آقای عبدالباری جهانی است که با نشر یک مقاله در افغان جرمن آنلاين مورخ 16 اگست 2019 برای موضوع مهر تأیید گذاشتند. همین موضوع موجب شد اینجانب به مقصد وضوح واقعیت مطالبی تحت عنوان "شرحی درباره پیشنهاد متارکه در جنگ سوم افغان و انگلیس" بنویسد که در آن پورتال در چهار قسمت سر از تاریخ 26 اگست آن سال به نشر رسید. (علاقمندان میتوانند این سلسله را در آرشیف نویسندگان افغان جرمن آنلاين زیر نام اینجانب مطالعه فرمایند)

در ارتباط با نظر سایکس باید گفت: با آنکه بمباردمان هوایی انگلیس در ماورای ارگ کابل هیچ تلفات انسانی و تخریبی مهم نداشت و اما در جبهه مشرقی با دگرگونی و هیجان زیاد همراه بود. انگلیسها خودشان این بمبارد را مورد انتقاد قرار دادند و آنرا به مثابه حملات هوایی جرمنی بر لندن توجیه کردند. هدف از این حملات از بس و وارخطائی و تحت فشار قرار دادن شاه امان الله مینی بر انصراف از ادامه جنگ و قبول آتش بس چیزی دیگری نبود. اینکه شاه امان الله در پایان اولین نامه خود عنوانی وایسرا خواهان امضای معاهده دوستی با انگلیسها شده بود، واضح است که اینکار توأم با شناخت استقلال کامل افغانستان مطرح بود و نشانه ای از یک حسن نیت دیپلماتیک را بیان میکرد و به هیچ وجه مؤید آن نیست که گویا پیشنهاد متارکه از طرف افغانستان صورت گرفته باشد.

انگلیسها (با وجود استیلای قلعه جنگی در دکه در جبهه مشرقی و قلعه سپین بولدک در قندهار)، از ناحیه پیشرفت در جبهه جنوبی و از ترس شدت قیام اقوام سرحدی و سرایت آن در دیگر ساحات تحت تسلط خود در هراس بودند و می ترسیدند که مبدا ادامه وضع منجر به قیام های مردمی و قومی در آن طرف سرحد و ماورای آن در ساحات سند و پنجاب و حتی در هند شود که برای انگلیسها یک جنگ

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

فرسایشی و دوامدار خواهد بود، لذا کوشیدند با ارائه پیشنهاد آتش بس به ادامه این وضع پایان دهند و حل معضله را از طریق مذاکره و مفاهمه به پیش برند تا بتوانند از یکطرف از شدت جوش و خروش مجاهدین قومی در آن جبهه تاحدی بکاهند و از طرف دیگر موفق شوند از طریق مذاکره و شناسائی استقلال افغانستان بعضی امتیازات را بدست آورند.

واضح است که وقتی شاه امان الله پیشنهاد متارکه و توقف جنگ را به تأسی از درخواست انگلیس به شرط "تصدیق استقلال افغانستان" پذیرفت، انگلیسها جهت آمادگی برای مذاکره نخست آتش بس و بیرون کشیدن قوای افغانی را نخست به اندازه 20 میل (بعداً به توافق دوجانبه به اندازه 10 میل) از سرحد به عقب شرط گذاشتند و شاه امان الله به عساکر افغان هدایت داد تا قوای خود را به اندازه فوق به عقب بکشند و در حال آماده باش نگهدارند تا در صورت تخلف انگلیسها از تعهد درمورد آغاز مذاکرات و عدم تصدیق استقلال کامل کشور، آماده برای شروع دوباره جنگ باشند، چنانکه این موضوع طی دو فرمان شاه امان الله که قبلاً به آنها اشاره گردید، تصریح شده است.

در اینجا باید اذعان کرد که انگلیسها همیشه کوشیده اند تا در نوشته های خود در خصوص جنگها و شکست های خویش در افغانستان به نحوی قضایا را به نفع خود ارائه دهند و هیچگاه به توطئه ها و دسایس خود در جهت سقوط سلطنت امانی اعتراف نکرده اند. متأسفانه بعضی مؤرخان افغان عین قضاوت را درمورد قیام خوست و آوردن عبدالکریم کرده اند و گفته اند که انگلیسها در قیام خوست و آوردن عبدالکریم نقش نداشته و هیچ سندی در دست نیست که این موضوع را ثابت سازد. مسلم است که هیچ کشوری نمیخواهد برای ثبوت فعالیت های توطئه آمیز خود سند ارائه کند، اما فقدان همچو اسناد معنی آنرا ندارد که از حقایق عینی و مشهود انکار کرد. به همین ترتیب اگر مؤرخان انگلیس به نفع موقف کشور خویش ابراز نظر میدارند و حقایق را به نحوی دیگر بیان میکنند، نباید به گفته های آنها بسیار اعتماد کرد، بلکه در صحت و سقم آن باید بیشتر تحقیق نمود و نظریات مختلف را در کنار هم گذاشت و آنچه را که با دلایل و اسناد و نیز شواهد و منطق بیشتر موجه به نظر می آید، به آن استناد ورزید.

برای بررسی مزید موضوع متارکه بهتر است نظری به مآخذ دیگر تاریخی انداخت، از جمله:

1 - مطالب مهم و مستند درباره اینکه چگونه پیشنهاد متارکه از طرف انگلیسها به وسیله سردار عبدالرحمن خان (یکی از مشروطه خواهان اول و شخص مورد اعتماد شاه امان الله) ارائه گردیده بود، در کتاب "دست نویس عبدالحکیم خان و هاب پسر عبدالوهاب خان امین المکاتیب"، وضاحت می یابد که متن آنرا در مقالات قبلی خود درج نموده ام و به دلیل اهمیت آن اکنون بار دیگر آنرا تقدیم میدارم:

عبدالحکیم خان و هاب در متن دست نویس خود می نگارد: «عبدالرحمن خان در بدو سلطنت امیر امان الله خان (1298 ش) به حیث ناظر معارف به وزارت معارف مملکت مقرر شدند، اما بنابرایناجاب سیاست از وظیفه لزوماً بعهدہ سفارت روانه هند برتانوی گردیدند که این ایام پیشتر از اعلان استقلال افغانستان و آمادگی جهاد با انگلیس بود... منظور سفارت هم مذاکرات و تماس دپلماسی با برتانیه بوده است، چنانچه بمجرد اعلان استقلال افغانستان در فبروری 1919 و سوقیات کابل در اپریل سال مذکور به استقامت سرحدات هند با آنکه هنوز اعلان حرب نشده بود، سفرای دولتین در دهلی سردار عبدالرحمن خان و در کابل حافظ سیف الله خان مقیم بودند. وقتیکه جنگ در محاذ خیبر شروع شد و بعد از آن قطع مناسبات دولتین اعلان گردید، دولت انگلیس از دهلی سفیر افغانستان سردار عبدالرحمن خان را با عائله اش تحت الحفظ در پایگاه نظامی خود که در "دکه" اشغال کرده بودند، آورد و پیش

رفتن نگذاشت. ازجانبی هم دولت انگلیس تمام اوراق و اشیای سفارت افغانستان را در دهلی و همچنین اوراق و اسناد نمایندگی افغانستان در پشاور را ضبط کرد. چون دولت انگلیس در طی جنگ محاذات متعدد در سراسر خطوط سرحد با افغانستان خطر جنگ را احساس و عواقب نامطلوب آنرا در مورد هندوستان درک نمود، ناچار مایل به صلح و تصدیق استقلال افغانستان گردید و راه مذاکره را توسط قوماندانان خود در دکه با سفیر نظربند افغانستان سردار عبدالرحمن خان باز کرد.»

نویسنده کتاب علاوه میکند: «انگلیسها در دکه با سردار موصوف به مذاکره پرداختند و او را حامل پیامی ساختند تا به کابل رفته و با شاه امان الله خان درباره صحبت نماید. سردار عبدالرحمن خان بغرض اطلاع مذاکرات و تمایلات انگلیسها راجع به صلح روانه کابل شد و [انگلیسها] غلام احمد خان پسر شانرا در پایگاه عسکری دکه تحت حفاظت نگهداشتند... سردار خسته و افسرده بسلامت وارد کابل گردید و با امیر امان الله خان که او هم بشدت از جانب سردار عبدالرحمن خان و جریان مذاکرات شان نا آرام و در انتظار بود، در تماس شد. امیر امان الله خان از مساعی صادقانه و وطن خواهانه سردار عبدالرحمن خان اظهار خوشی و تشکر نموده، بعد از تعطیلی افکار بقبول متارکه انگلیس با شرایط تصدیق استقلال، هدف حکومت افغانستان را برای عبدالرحمن خان حالی و رخصت فرمود. سردار عبدالرحمن خان واپس در دکه نزد انگلیسها آمده موافقت امیر را به آنها ابلاغ و متارکه بتاریخ سوم جون 1919 اعلان شد و سردار عبدالرحمن خان با پسر و همراهان خود پس از هفده روز در دکه بکابل برگشت.» (صالحه وهاب واصل: "کتاب دست نویس عبدالحکیم خان پسر امین المکاتیب"، قسمت پنجم، منتشره پورتال افغان جرمن آنلاین، 14 نوامبر 2014، صفحه 18)

مختصر درباره نویسنده کتاب: عبدالحکیم وهاب مستوفی مزار شریف و بلخ، پسر سردار عبدالوهاب خان امین المکاتیب پسر سردار میرافضل خان و نوه ای سردار پردلخان کندهاری میباشد. سردار عبدالوهاب خان مجاهد جنگ میوند بوده در جوانی در زمان حکومت هرات با سردار ایوب خان، همکاری بود. دو پسر سردار عبدالوهاب خان، سردار حبیب الله و سردار عبدالرحمن از جمله مشروطه خواهان اول و دوستان بسیار نزدیک شهزاده امان الله خان بودند که در زمان سلطنت شاه امان الله این دو برادر از جمله معتمدان شاه محسوب می شدند، چنانچه سردار عبدالرحمن خان در کابینه اول او برای مدت کوتاه به حیث ناظر [وزیر] معارف عز تقرر حاصل کرد و متعاقباً به حیث نماینده سیاسی افغانستان در هند برتانوی مقرر شد و سردار حبیب الله خان به حیث معاون در وزارت خارجه بکار گماشته شد. - کاظم}

2 - داکتر عبدالرحمن زمانی در کتاب مستند و مشهور خود "بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس" در فصل سوم عنوانی دارد "متارکه و سیاست تطمیع و تهدید انگلیس" و درباره متارکه و تقاضای آتش بس می نویسد: «انگلیس ها اول تصور نمی کردند که افغانها راه جنگ را در پیش گیرند، و بعداً هم برای اینکه ضعف خود را بپوشانند، بیشرمانه کوشیدند دست آوردهای مبارزات آزادیبخش افغانها را نا چیز جلوه داده ادعا کنند که گویا افغان در این جنگ شکست خورده و پیشنهاد متارکه توسط غازی امان الله خان صورت گرفته است... اما اسناد و شواهد نشان میدهد که تقاضای آتش بس، ختم جنگ و مذاکرات صلح، اول توسط انگلیس ها پیشنهاد شده است.»

داکتر زمانی در این رابطه یک پراگراف کوتاه از افغانستان شناس فقید لودویک آدامک را اقتباس میدارد که نوشته است: «حکومت هند به نماینده افغان اجازه داد تا به کابل رفته امان الله را به ختم فعالیت های خصومت آمیز و ادار سازد. امان الله موافقه نموده، و در نتیجه آتش بس زمینه مذاکرات طولانی و هیجانی درراولپندی، مسیور (منصوری) و کابل فراهم شد که به مصالحه و تأسیس مناسبات عادی همسایگی انجامید.» (آدامک، لودویک: "دکشنری جنگها، انقلابها و شورشهای افغان"، (به انگلیسی)، لندن، 1996، صفحه 233)

داکتر زمانی می نویسد: «اسناد محرمانه استخبارات انگلیس نشان میدهد که پیشنهاد متارکه توسط غازی امان الله خان نه، بلکه خود انگلیس ها صورت گرفته و دولت افغانستان کوشیده بود از جدی بودن این تقاضای انگلیس ها و چگونگی شرایط شان اطلاع حاصل کند. کمشنر عمومی و نماینده حکومت هند برتانوی برای گورنر جنرال ایالت سرحدی شمال غربی بتاریخ 23 می 1919 به امرانش در شمله نوشت که "عبدالرحمن خان نماینده افغان با پیغام حکومت هند که دیشب برایش داده شده بود، امروز صبح بطرف دکه حرکت کرد. سه نفر از مصاحبان او درین جا در قلعه (نظامی) ما در توقیف بسر میبرند، از جمله دونفرشان تقاضا نموده اند که با من مذاکره کنند. امروز من با آنها صحبت طولانی داشتم. آنها عبارت اند از سردار حبیب الله خان، نواسه گل محمد خان محمدزی که خود را آمرومی تلگراف افغانستان معرفی میکند، و دومی کرنیل احمد علی برادر کرنیل علی احمد و نواسه سردار محمد رفیق خان لودی میباشد. نفر سوم که من او را ندیدم، عبدالعزیز سرحدار دکه میباشد که اسمش در مکاتباتی که توسط ما کشف و قطع شده است، زیاد به نظر میرسد. حبیب الله فرمانی را از امیر برایم نشان داد که مضمون آن قرار آتیست":

متن فرمان: «به حبیب الله خان سرپرست دفتر پست و کرنیل احمد علی خان! طوریکه عبدالرحمن خان نماینده تعیین شده افغان برای حکومت هند که از آنجا برگشته است، برایم اطلاع داده است، قبل از عزیمت سکرتر (وزیر) خارجه [فان سکرتری هند برتانوی - کاظم] با او راجع به آتش بس و باز کردن دروازه های صلح مذاکره نموده است. لهذا من به شما وظیفه و صلاحیت میدهم تا در میدان جنگ به کمپ انگلیس ها رفته راجع به شرایط (مقررات) صلح با ایشان مذاکره کنید و اگر زمینه مصالحه را مساعد یافتید، موضوع را برایم اطلاع دهید. رفتن شما به کمپ آنها ضروری بوده و من برای شما صلاحیت این اقدام را میدهم. محل امضای امیر امان الله - سه شنبه 19 شعبان 1237». مقصد از توظیف سه نفر فوق حصول اطمینان شاه امان الله از این بوده که آنچه را سردار عبدالرحمن خان مبنی بر پیشنهاد متارکه از طرف انگلیس ها برایش ارائه شده بود، مجدداً مورد بررسی قرار دهد و مطمئن شود که انگلیس ها در این پیشنهاد جدی استند.

داکتر زمانی در ادامه می افزاید: «از نامه فوق غازی امان الله خان و همچنان نامه احتجاجیه که بعد از بمباردمان هوایی جلال آباد و کابل به نایب السلطنه هند برتانوی فرستاده شده و در آن از یکسو به ارسال سردار عبدالرحمن خان نماینده افغان به کابل و تأکید بر اجتناب جنگ، و از سوی دیگر به بمباردمانی که شباهت به بمباردمان لندن توسط قوای هوایی جرمنی داشت و خود انگلیسها آنرا یک حرکت شدید وحشیانه تقبیح کرده بودند، اشاره شده بود. هویدا است که انگلیس ها با آنکه پیشنهاد متارکه و اعاده صلح را نمودند، نه تنها به زور آزمائی شان ادامه دادند، بلکه بر علاوه حملات هوایی شبکه های استخباراتی و گروه های استخدامی اش را فعال ساخته در بین مردم به تبلیغات وسیع ضد امانی پرداخته، از یکطرف آوازه های قبل از وقت قبولی متارکه توسط غازی امان الله خان را پخش نمودند و از طرف دیگر کوشیدند او را مسئول اصلی جنگ و یگانه عامل کشته شدن افغانها قلمداد نمایند.» (زمانی، داکتر عبدالرحمن: "بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس"، 1391 ش - 2013 م، مؤسسه انتشارات مسکا، افغانستان، صفحات 131 تا 134 با استفاده از "اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره پی 1433 آر، مورخ 23 می 1919، P285، 10/819, L/P &S")

3 - جرنیل یارمحمد خان وزیری در کتاب خاطرات خود می نویسد: «وقتی که قوای فرنگی و گورکه به وزیرستان، کندر، روب و گومل از طرف مجاهدین ما شکست خوردند، آنها قوای باقیمانده خود را در

دیره غازی خان، دیره اسماعیل خان و از طریق سند به عقب کشیدند و در همین وقت جنرالان و کرنیلان فرنگی به این فکر شدند که هرگاه مجاهدین افغان به جنگ دوام دهند، امکان زیاد موجود است که در صورت دوام جنگ مجاهدین افغان، سند و پنجاب نیز آرام نمی ماندند و باز هم به تحریک آنها برای تمام هندوستان و بنگال خطر پیش می شود، آنوقت در سند و پنجاب نیز جهاد مردمی در برابر فرنگی ها برای استقلال به راه می افتد و مردم در سند و پنجاب و هندوستان به کوچه ها و بازارها می برآیند و در برابر فرنگی ها به مظاهره می پردازند.»

جرنیل وزیری می افزاید: «ما مجاهدین این تعهد را کرده بودیم و آن نیت و اراده ما بود که فرنگی ها را از تمام هندوستان و بنگال بیرون کنیم. این عزم و اراده ما مجاهدین نیز بود که قوای زیاد فرنگی و گورکه را به کندر، روب، کومل و وزیرستان نیست و نابود کنیم و یک تعداد آنها را از دیره غازی خان، دیره اسماعیل خان و سند به عقب برانیم... فرنگی ها که به مکر و حيله بسیار شهرت و مهارت دارند، وقتی این حالت را دیدند که مجاهدین ما در آن جا در حال پیشرفت میباشند و جنازه شهیدان در برابر شان قرار داشت، فوراً بهتر و لازم دانستند که از حکومت افغانستان تقاضای متارکه جنگ و آتش بس را نمایند و وقتی دیدند که خون مجاهدین به جوش آمده است، با ارائه پیشنهاد متارکه به حکومت افغانستان، خواستند تا جوش و خروش مجاهدین را خاموش سازند.»

جرنیل وزیری از قبولی فوری متارکه از طرف شاه امان الله غازی ناراضی است و در ادامه می نویسد: «با افسوس که اراکین بی خبر حکومت افغانستان که اداره مملکت را در دست داشتند، بسیار زود فریب و مکر فرنگی ها را خورده و به تقاضا و پیشنهاد فرنگی ها متارکه و آتش بس را، بدون آنکه با سران قومی صلا و مشوره نمایند و یا بدون آنکه روحیه مردم شجاع خود را در جهاد و مجاهدین در برابر فرنگی ها ببینند، بطور عاجل به صدای آنها لبیک گفتند و این اولین نشانه ای بود که بعداً حکومت افغانستان و فرنگی ها با نشست و برخاست با فرنگی ها آزادی یک قسمت افغانستان بزرگ را به رسمیت شناختند و قسمت دیگر آنرا در تصرف خود نگهداشتند. بعد از جنگ استقلال [که دو هفته دوام کرد] سرنوشت ما آن شد که پدرکلان اعلیحضرت امان الله خان با نماینده فرنگی ها - دیورند تعیین کرده بود و یک بار دیگر با وجود ریختن خونها باز هم دست بسته به دشمنان سپرده شدیم.» (خاطرات جرنیل یار محمد خان وزیری: "د افغانستان د خپلواکي او نجات تاریخ"، مهتم: فدا محمد نومیر، پشاور، 1379، صفحه 97 - 98)

این شکایت جرنیل وزیری به حیث یک سرکرده قوم وزیر آنطرف سرحد بجا است، اما هدف اصلی و اساسی شاه امان الله غازی از اعلام جهاد در قدم اول استرداد استقلال کامل افغانستان بود، نه آنکه برای آزادی ساحات ماورای سرحد که زیر سلطه انگلیس ها قرار داشت، اقدام کند و بدانوسیله خود را در یک جنگ فرسایشی و دوامدار با انگلیسها قرار دهد. شاه امان الله آرزو نداشت که پای روسیه شوروی را به حمایت از خود علیه انگلیس ها در میان بکشد، بلکه میخواست با حفظ دوستی با انگلیس و روسیه بلشویک بیطرفی عنعنوی افغانستان را با حفظ استقلال و توسعه روابط با کشورهای جهان در پرتو صلح و ثبات نگهدارد.

4 - عزیزالدین وکیلی پوپلزائی در کتاب "نگاهی به تاریخ استرداد استقلال افغانستان" می نویسد: «بتاریخ 21 می 1919 (چهارشنبه 30 ثور 1298 شمسی) کمشنر بزرگ پشاور از وصول یک تلگراف که از طرف سردار عبدالرحمن خان نماینده سیاسی افغانستان در هند فرستاده شده بود، اطلاع داد. عبدالرحمن خان در آن تلگراف به قوماندان لشکر برتانیه در "دکه" خبر داد که: وی با پادشاه

افغانستان صحبت کرده است و حالا آرزو دارد با برتانیه برای تأمین صلح مذاکره نماید.» پولزائی می افزاید: «حکومت هند قبلاً به نماینده افغانستان گفته بود که به افغانستان عزیمت نموده و اعلیحضرت امان الله شاه را تشویق کند که از فعالیت های خصومت آمیز دست بکشد. کمشنر به پیشنهاد نماینده افغانستان اعتماد نکرد و به سیمله (مرکز تابستانی هند) پیشنهاد نمود که این پیش آمد افغانستان یک حرکت تکتیکی بوده تا بدان وسیله بتواند وقت کمائی کرده و قبایل را بطرفداری خود جلب نماید. لیکن نائب السلطنه هند وضعیت را در سرتاسر سرحد [بخصوص بعد از قیام خونین شهر پشاور - کاظم] چنان بحرانی می دید و فرصت را به اندازه حیاتی و مهم می پنداشت که به صاحب منصب متنفذ صلاحیت داد تا با نماینده افغانستان ملاقات نماید.» پولزائی می نویسد: «بالاخره لارد چلمسفورد بتاريخ 3 جون 1919 (سه شنبه 12 جوزای 1298 شمسی) به پاسخ پیشنهاد های صلح امان الله شاه پرداخته و شرایط آتش بس را پیشنهاد کرد... که کنفرانس صلح در راولپندی برپا گردد. بتاريخ 11 جون (چهارشنبه 20 جوزا 1298) اعلیحضرت امان الله شاه از کابل به نائب السلطنه هند پیام فرستاد و از مجاهدت های موفقانه هر دو طرف برای صلح اظهار خوشنودی کرد.» (عزیزالدین پولزائی: "نگاهی به تاریخ استرداد استقلال افغانستان"، کابل، 1368، صفحه 41، 42 و 45)

5 - میر غلام محمد غبار در کتاب "افغانستان در مسیر تاریخ" شرح مبسوطی در زمینه دارد که در اینجا بعضی قسمت های آنرا اقتباس میدارم. او می نویسد: «دولت انگلیس از دهلی سفیر افغانی سردار عبدالرحمن خان (از مشروطه خواهان قدیم) را با عائله اش تحت الحفظ در پایگاه نظامی و اشغالی خود در "دکه" آورد و نگهداشت... چون دولت انگلیس در طی جنگ با افغانستان اندازه خطر امپراطوری را در هندوستان و رشادت مردم افغانستان را در محاذات جنگ احساس و معاینه میکرد، لهذا مایل به صلح و تصدیق استقلال افغانستان گردید و راه مذاکره را توسط قوماندان خود در "دکه" با سفیر نظر بند افغانی باز کرد. در طی این مذاکرات طولانی انگلیس ها تصدیق استقلال افغانستان را پذیرفته و از وجوب متارکه و منافع دوستی دولتین سخن زدند. سردار عبدالرحمن خان بغرض اطلاع این تمایلات انگلیس ها به پادشاه افغانستان به کابل آمد، در حالیکه انگلیسها عائله و پسر او (غلام احمد خان رحمانی) را در پایگاه عسکری خود نگهداشته بودند. سردار عبدالرحمن خان در کابل با شاه مذاکره کرد و بعد از تصمیم دولت بقبول پیشنهاد متارکه انگلیس با شرط تصدیق استقلال، برگشت. انگلیسها از این نرمش و لغزش بيموقع دولت جدید التأسیس افغانستان استفاده کرده و روی موضوع متارکه بین دهلی و کابل مکاتبات بعمل آمد و انگلیسهای مغلوب توانستند بر دولت غالب افغانستان تحمیل نمایند که تا امضای رسمی معاهده صلح سپاه افغانی 20 میل از سرحدات کشور عقب تر برود [تا آنوقت موضوع غالب و مغلوب دقیقاً معلوم نبود - کاظم]؛ در حالیکه مردم مجاهد [مجاهدین اقوام سرحدی - کاظم] و قوماندانهای عمومی محاذات پاکتیا و قندهار مخالف چنین شرطی بودند و حتی کتباً دولت را از این تصمیم بيموقع ملامت کردند. ولی پادشاه افغانستان از این تصمیم خود که تنها استقلال کشور را تأمین میکرد، بدون مشوره با نمایندگان مردم و قوماندانهای محاذ جنگ، برنگشت، لهذا متارکه در 3 جون 1919 اعلام شد. سردار عبدالرحمن خان سفیر سابق افغانی در هند بعد از 17 روز اقامت در دکه و رفت و آمد بکابل، به پایتخت برگشت.... بعد از اعلان متارکه دولت، البته عساکر افغانی در هیچ محاذی به جنگ نپرداختند، ولی مردم مجاهد خیبر و سرحدات پاکتیا جنگهای ملی خود را به ضد انگلیس دوام دادند.» (غبار، میر غلام محمد: "افغانستان در مسیر تاریخ، صفحه 769 - 770) [در اینجا باید خاطر نشان ساخت که مرحوم غبار نیز از جمله منتقدان متارکه با انگلیسها بود.]

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ